۱۶۵
راه راه
ضمیمه هفتگی طنز راه راه

فیروزه کوهیانی

موضوع انشا: کشور پیشرفته چه کشوری است؟

خانم اجازه! کشور پیشرفته کشوری است که اسمش را در خوب‌ها بنویسند. مردمش با کراوات و پاپیون به دنیا بیایند. نان خالی بخورند اما پاپیون داشته باشند.
خانم اجازه! با کراوات هم بمیرند که دیگر فنتستیک.
عمه منیرم وقت‌هایی که شوهرعمه‌ام دیر به خانه می‌آید می‌گوید آخ اگر یک اسلحه داشتم.
خانم اجازه! من هم وقت‌هایی که از نوشتن مشق زیاد خسته می‌شوم می‌گویم آخ اگر یک اسلحه داشتم. در یک کشور پیشرفته هر بقالی باید اسلحه داشته باشد تا آدم راحت کارش را بکند. مثل مستراح فرنگی که آدم راحت‌تر کارش را می‌کند.
یک کشور پیشرفته دستِ دراز دارد.
خانم اجازه! سعید هیچ‌وقت پیشرفته نمی‌شود چون همیشه به اینکه دست در کیفش کردم و لقمه‌اش را خوردم اعتراض دارد و گریه می‌کند. حالا خوب است لقمه‌اش گردو ندارد. اگر جای ما بود چه می‌گفت که قرار است خانه‌مان را به پسر عمویم دهیم.
خانم اجازه! اولش که آمد خانه ما مهمان بود اما حالا ما مهمانیم. می‌خواهد ازدواج کند جایش تنگ است و ما باید از خانه‌مان برویم.
کشور پیشرفته باید یکرنگ باشد مثلا یکدست سفید باشد. دوست جون جونی‌اش هم اسرائیل باشد مثل من که دوست جون جونی‌ام پسرعمویم است.
کشور پیشرفته کشوری است که هر چیز خواست بخرد اگر سازمان بیلّل ممل را هم خرید که دیگر نور علی نه همان فنتستیک.
این بود انشای من

گرگ قصه شنگول و منگول به‌روز می‌شود

عکس پرسنلی

سمیه قربانی

سازمان محیط زیست تهران اعلام کرد گرگاس را کجای دل‌مان بگذاریم؟ بنا بر گفته‌های این سازمان مردم دل‌شان برای سگ‌های ولگرد می‌سوزد و باقیمانده غذای‌شان را در اطراف شهر و روستا ول می‌کنند تا هاپوها بخورند. همین دلسوزی باعث می‌شود در محل تجمع غذا گرگ‌ها و سگ‌ها چشم توی چشم شوند. از آنجایی که سگ‌ها و گرگ‌ها برای تشکیل زندگی مشترک خیلی سخت نمی‌گیرند و اصل و نسب برای‌شان مهم نیست خیلی هم کسرشأن‌شان نیست فرزند دورگه داشته باشند. اگر حیوانی با مشخصات قد بلند، چهارشانه، پوزه قد گاو، گوش‌های دراز، به رنگ گرگ جلوی‌تان ظاهر شد حتما با جایی تماس نگیرید چون فرصتش را نخواهید داشت.
از آنجایی که تاکنون چند نفر توسط گرگاس‌ها خورده شده‌اند توصیه می‌شود هر وقت دل‌تان برای سگ‌ها سوخت سریعا عکس سه در چهار پرسنلی گرگاس را از اینترنت مشاهده کنید. در غیر این صورت تا چند سال آینده بچه‌ها برای تشخیص آقاگرگه قصه شنگول و منگول باید به سامانه تشخیص هویت مراجعه کنند.

تلفات گرمای بی‌سابقه در کانادا

«کانادا»ی داغ

دیدید که خارجی ندارد ثمری؟!
این هم «کانادا» ز سمت و سوی دگری
داغ است و مزخرف است و حالا مانده
در حسرت یک قُلّپ «زمزم» تگری

فهیمه انوری

پیشنهاد مطهری به روحانی و ظریف: توافق وین نزدیک است اما بگذارید دولت جدید امضا کند، اگرنه شاهد ۴ سال هتاکی خواهیم بود.

ولش کن

بگذار توافق وین را و برو
از ذهن بشوی سوءظن را و برو
خواهی نشود به دولتت هتاکی
مگذار بر آن مُهر حسن را و برو

فریبا رئیسی

ابراهیم کاظمی مقدم

پیکان‌سازِ واکسن‌ساز؟

حکیم ابوالقاسم فردوسی می‌فرماید:
به پیکان بسی شد ز دیوان هلاک
بسی ز اهرمن اوفتاده به خاک
همین بیت برای هر انسان بی‌طرفی کافی است که بداند ایران در گذشته‌های دور هم پیکان می‌ساخته؛ پیکان‌هایی که به وسیله آن موجودات بی‌گناهی را که در ایران به آنها اهریمن و دیو می‌گفتند بکشد.
حال من از شما می‌پرسم. کشوری که در راستای کشتار جمعی این موجودات مظلوم به میزان انبوه پیکان می‌ساخته با کشوری که فقط یک بار از دستش در رفته و یکی دوتا بمب اتم، آن هم بمب اتم مصلحتی روی سر ژاپن انداخته یکسان اَست؟
اگر شما یک کشور جهان سومی باشید و بخواهید واکسن کرونا بخرید، آیا حاضرید از کشوری که این میزان کشتار جمعی به وسیله پیکان در کارنامه خود دارد واکسن خریداری کنید؟

فروغ زال

پراید می‌شود ولیکن شما نمی‌توانید!

روزی روزگاری نه چندان دور در قریه‌ای نزدیک عده‌ای تصمیم گرفتند تا چهار چرخی را سرهم‌بندی کنند چون معتقد بودند که چهار چرخ ساختن از اساس الکی که نیست. بر همین اساس یکی چرخش را از بلادی دور و دیگری پیچش را از آبادی کناری و فردی کف و سقفش را از ده بغلی و کسی زه‌اش را از دهات بالاتر جمع کرد. یکی و دیگری و فردی و کسی گفتند نه محاله و نمی‌شود و اصلا مگر در این قریه می‌شود چهار چرخ ساخت؟ پس چرخش را «دونات پلاستیکی» و سقفش را «دستمال کاغذی» و کَفَش را «مقوا» و پیچش را «تُف» و زه‌اش را «آپشن» وارد کردند.
روزی یکی به بقالی رفت و خواست آب معدنی بخرد که رویش نوشته بود از چشمه‌های قریه! ناگاه یادش به خود افتاد و گفت مگر ما می‌توانیم آب چشمه در بطری کنیم؟ پس یک شیشه آب پرشده از چاه‌های بلادی دور درخواست کرد.
سپس دیگری به دانشگاه رفت و خواست برای بچه‌های مردم چیزی تعلیم کند، به قراردادهای ننگینی رسید و گفت خیلی هم خوبند و دست آبادی کناری درد نکند، مگر ما می‌توانستیم این همه زمین را اداره کنیم؟
پس از آن فردی وارد بیمارستان شد و دید که عملی با ربات و از راه دور انجام می‌شود سپس جیغ کشید و گفت فوتوشاپ است و با اولین پرواز به ده بغلی رفت.
کسی هم روزنامه‌ای در دست گرفت و خبر ساخت واکسن کرونای قریه را در آن دید و سپس در لحظه روزنامه را جوید و گفت نمی‌شود چون در قریه نمی‌توانیم.
سپس گروه مشترک‌شان با یکی و فردی و دیگری را باز کرد که پروفایلش عکس «گلام» در سفرهای گالیور بود و در آن نوشت: مننننن میییییییدوووووونمممم نمیییییششششششه.

محمدرضا رضایی

وقتی خودروسازی را بدهند دست زیباکلام...

مدل مطلوب زیباکلام

اگر قرار باشد صنعت خودروسازی را خود زیباکلام اداره کند، احتمالاً:
- در مرحله اول، تمام عناصر مخرّبی که فکر می‌کنند ایرانی جماعت می‌تواند خودش هم یک چیزی تولید کند (حتّی در حدّ فرغون)، از جای‌جای صنعت خودروسازی اخراج و در صورت امکان، حذف فیزیکی می‌شوند.
- در مرحله دوم، تمام تولیدات قبلی که هنوز تحویل مشتری نشده، توسط اسید قوی امحا می‌شوند. تولیداتی هم که تحویل مشتری شده، اگر قابل بازپس‌گیری جهت امحا باشد، که چه بهتر، و اگر هم مشتری همکاری نکرد تا خرتناق مورد تحقیر قرار می‌گیرد که دیگر محصول ایرانی نخرد.
- در مرحله سوم، شخص صادق زیباکلام وارد یک مذاکره برد-برد با شرکت‌های خودروسازی اروپایی می‌شود، بلکه منّت بگذارند و خودروهای اسقاطی‌شان را احیا کنند و بفروشند به ما، تا سوار شویم و دعاگوی‌شان باشیم. قطعاً جناب استاد در این راه از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند، حتّی اگر بوسیدن پای چپ مبارک خودروساز خارجی باشد.

مهدی امام‌رضایی

#صادق_زیباکلام

لوسیون گزش!

شب است و شاهد و شمع و شراب‌مان جور است
مگیر خرده، شرابش نه آب انگور است!

شب وصال دو عاشق، شقایق و گودرز!
به خطبه‌خوانی یک لیبرال مشهور است

به خطبه‌ای که سراسر حقارت و یأس است
جناب حضرت استاد گرم بلغور است:

«زهی که صنعت‌تان تا پراید و پیکان است
چقدر فرمول واکسن ز دسترس دور است»

عجب مدار دلا حجم مهملاتش را
که امر واصله از کدخداست؛ مجبور است

تو که نماد تز لولهنگ و بزباشی
برس به نیمه پایین هرآنچه مقدور است!

به علم و باور خود ساختیم واکسن را
و چشم دشمن‌مان زین مجاهدت کور است

تو هم مپیچ چنان نیش‌خوردگان بر خویش
بگیر جان من، این لوسیون زنبور است!!!

صادق زیباکلام

استاد دانشگاه

کشوری که عصاره صنعت خودروسازی‌اش، پراید و پیکان است چگونه می‌تواند در واکسن کرونا تبدیل به تولیدکننده بین‌المللی شود؟

سمیرا فره‌داغی

#چگونه_میتواند

تزریق پیکان به جای واکسن

خب! پس از مدت‌ها که نصف بشریت منتظر واکنش استاد به شروع واکسیناسیون با واکسن تولید داخل بودند، فرد مورد نظر به انتظارها پایان داد و حرف زد.
استاد این بار نیز با قافیه «چگونه می‌تواند» چیز سرودند و موجی از نچ‌نچ و این باز حرف زد را در میان هواداران، نداران و سایرین بر انگیختند.
یکی از دست‌اندرکاران جهش علمی کشور در واکنش به حرف زدن استاد گفت: «این بابا رکورد بیشترین سرعت تولید علم در جهان می‌دونه چیه؟» که بغلی‌اش گفت: «هوی آروم‌تر! استاد کلا به تولید آلرژی دارن، دل‌پیچه میشن».
استاد که چیزی نیست. یکی از اسلاف فقید ایشان در حد پراید و پیکان هم اعتقاد نداشت و می‌گفت فقط قرمه‌سبزی و آبگوشت بزباش. بیایید فکر کنیم جوّ آشپزی همسرش بوده و ربطی به پاره‌سنگ توی سر آدم ندارد. سلف فقیدتر استاد هم گیر داده بود از خارج لولهنگ بیاوریم و اگر نیاوریم به نشانه اعتراض، مبال نمی‌رود و می‌ریزد توی خودش.
پس بیایید صبور باشیم. این پیشنهاد که به‌جای واکسن ویژه بالای صدساله‌ها، یک دستگاه پیکان سرمه‌ای مدل ۶۹ به صورت کاملا نمادین در حلق استاد فرو شود، با این قیمت محصولات آنتیک، کأن لم‌یکن تلقی می‌شود. به همین خاطر؛ فعلا این «با هر کی مثل خودش» را تنها در بایو(!) شکست عشقی‌ها تجربه کنید. یک پارچ آب مقطر هم بریزید در سرُم استاد.

محمدامین میمندیان

#واکسن_کرونا

واکسن ایرانی جن‌زده می‌کند

می‌گویند زمان امیرکبیر گروهی از مردم آبله‌کوبی - که همان واکسن آبله است به زبان عهد ناصری - نمی‌کردند که جن زده نشوند. امیرکبیر هم گریه می‌کرد که امان از جهل مردم. ببین با کیا شدیم ۱۸ میلیون.
حالا در قرن ۲۱ عده‌ای هستند که کلا واکسن کرونا نمی‌زنند و می‌گویند کج و کوله می‌شویم. هرچه هم بهشان می‌گوییم کج و کوله زنده بهتر از جنازه صاف است توی کت‌شان نمی‌رود. اما یک عده دیگر هم هستند که می‌گویند واکسن ایرانی نمی‌زنیم چون مثل شیر مدارس داخلش آب است. بعضی هم نظرشان این است که واکسن ایرانی کلا وجود ندارد و همه‌اش فیلم است. بعد همین‌ها در ناصرخسرو دربه‌در دنبال فایزر اصل می‌گردند و اگر بهشان بگویی این واکسن آمریکایی را بزنی یک کلیه‌ات خاکستر می‌شود، می‌گویند اشکال ندارد خدا دو تا کلیه داده که یکی را در راه آمریکا فدا کنیم. زیباکلام‌شان هم می‌گوید مگر می‌شود ایرانی که با وجود تحریم در زمینه سلول‌های بنیادی، نانو، پتروشیمی، سوخت هسته‌ای و... قدرت جهانی شده بتواند واکسن بسازد؟ البته ایشان شعورش به گفتن این دستاوردها نرسید ولی خب روح کلامش همین است. انصافا برای این جهالت گریه خالی جواب نمی‌دهد باید کنارش سرمان را هم به جایی بکوبیم.

صنم یاوری

شرایط تولیدکننده بین‌المللی بودن

بروید دم در خودتان

با توجه به پیوستن ایران به تولید کنندگان بین‌المللی واکسن کرونا، سازمان جهانی حمایت از تولیدکنندگان بین‌المللی در حالی که بسیار ناراحت بود و همه‌اش می‌گفت: کی این دهاتی‌ها رو راه داده اینجا، قوانین جدیدی برای ورود به لیست تولیدکنندگان بین‌المللی اعلام داشت.
قانون اول: تولیدکنندگان بین‌المللی باید چشمان آبی، موهای بور، قد بلند، نگاه نافذ، داشته و در گروه جذابان لعنتی قرار بگیرند.
قانون دوم: کشوری که گدایان و بی‌خانمان‌های آن‌ها هم انگلیسی بلد باشند، و موقع برخورد با اتفاقات بگویند: وووو
قانون سوم: دانشمندان بدون کراوات توان ساخت یک استامینوفن را هم ندارند چه برسد به واکسن کرونا
قانون چهارم: باید بلد باشند دیگران را تحریم کنند، واکسن ساز دست و دلباز که می‌خواهد به همه واکسن بدهد نوبر است والا
قانون پنجم: وقتی مردند، بتوانیم جلوی سفارت‌شان برای‌شان شمع روشن کنیم.
و در آخر آن دسته از کسانی که واکسن درست کرده‌اند اما شرایط بالا را ندارند بدانند که مادرمان گفته غریبه‌ها را بازی ندهیم و لطفا بروید دم در خودتان بازی کنید.

فرزانه صنیعی

ذکر صادق زیباکلام

آن فارغ‌التحصیل برادفورد، آن که از عشق آمریکا مرد، آن بعضی تئوری‌هایش چاخان، آن عاشق رضاخان، آن صاحب اندیشه‌های خام، دکتر صادق زیباکلام نقل است که برای سخنرانی به مجلسی دعوت شد، مگر بر زمین پرچم اسرائیل نقش کرده بودند. خواست بر آن پای نگذارد، دورخیز کرد و از روی آن بپرید، لیک بر زمین افتاد و دست و پایش بشکست. از آن پس هر گاه پرچم اسرائیل بر زمین می‌دید می‌فرمود: «باز باید بر زمین افتیم».
گویند در زلزله کرمانشاه کمک‌های مردمی جمع می‌کرد. گفتند: این پول به هلال‌احمر ده. گفت: «ندهم، بلکه دهکده‌ای بر اساس اصول توسعه پایدار سازم با انرژی خورشیدی و کشاورزی مکانیزه و لوله کشی نوشابه و گرمایش از کف و سونا و جکوزی، که رشک اوزاکا و کوبه باشد». سالی چند بگذشت و کس ندانست آن پول کجا شد، از آن که سرّ مردان خدای، پوشیده بهتر.
و گفت: «هرگز آن شادی از یاد نبرم که تیم ملی در ملبورن از استرالیا دو گل خورد، و باز آن اندوه که به استرالیا دو گل زد!» و گفت: «هسته‌ای بد است» و گفت: «رضاخان خوب است» و گفت: «اسرائیل گناه دارد.»

اهدای مدال شجاعت به کاپیتان راجرز، قاتل ۲۹۰ مسافر بی‌گناه هواپیمای مسافری در خلیج فارس

نازنین اسماعیل‌زاده

صامره حبیبی

سخنگوی صنعت برق: در حال حاضر صنعت برق شرایط بسیار سختی را تجربه می‌کند!

بی‌انضباط

با اجازه بی‌اجازه می‌رود
از منازل از مغازه می‌رود
ساعت خاصی ندارد عشقی است
قبل بازه بعد بازه می‌رود
آمپرش بالاست کم آورده است
گیج می‌آید قراضه می‌رود
چه بلایی بر سرش آورده‌اند
زنده می‌آید جنازه می‌رود
برق دیگر نیست آن برق قدیم
دیر برگشته‌است و تازه می‌رود
انضباطش را نباید صفر داد؟
بس که سرخود، بی‌اجازه می‌رود

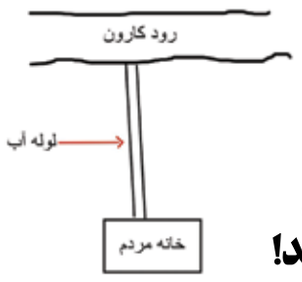

محمد اسدی

معرفی طرح آب‌رسانی خوزستان

درِ لوله توری بذارید!

در پی اعلام استاندار خوزستان مبنی بر اینکه: «هیچ جای خوزستان آب شرب سالم ندارد» اداره تامین آب و غیره این استان با طراحی طرحی پیچیده (مطابق تصویر فوق) عملیات آب‌رسانی به همه جای خوزستان را آغاز کرد. مسؤول این طرح به خبرنگار ما گفت: ما در ابتدا رود کارون را در شمال خوزستان افتتاح کردیم. وی این جمله را در حالی گفت که حالت صورتش کاملا جدی بود. ایشان ادامه داد: در این طرح ما به هر خوزستانی اجازه می‌دهیم یک لوله بیاورد و یک سرش را توی کارون بیندازد و یک سرش را بگیرد و ببرد توی خانه‌اش.
ایشان در پاسخ به سؤال خبرنگاری که گفت: برای تأمین آب بهداشتی و ضدعفونی آن از انواع میکروب‌ها و باکتری‌های دریایی چه تمهیدی اندیشیده‌اید؟ گفت: مردم درِ لوله‌ها توری بذارن!
وی در حالی که ول‌کن ماجرا نبود گفت: طرح تقریبا تکمیله! روبان و قیچی هم تهیه شده. اگر مردم همت کنند و لوله‌ها را بیاورند کار تکمیل است.

ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: فیروزه کوهیانی
دبیر سرویس شعر: مهدی امام‌رضایی
دبیر سرویس کارتون و فنی: سید محمدجواد طاهری

راه‌های ارتباطی
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!